

سازمان کوک و جمعیت فداکاران آذربایجان،
براساس اسناد نو یافته "گارد شاهنشاهی"

کریم سلیمانی^۱

چکیده:

محمد رضا پهلوی در ۸ خرداد ۱۳۳۱ به منظور مبارزه با هرگونه تهدید خارجی و یا سرکوب مخالفان سلطنت، فرمان تأسیس سازمان کوک را صادر نمود. اعضای این سازمان که در آغاز خود را تابع مرام برادری می دانستند، با تأسیس جمعیت های وابسته به خود، بر این باور بودند که با توسعه فعالیت خود در سطح شهرها و روستاها، به تأمین منافع ملی یاری برسانند. مهمترین مسئله ما در مقاله حاضر ضمن تعمق در مناسبات تشکیلاتی سازمان کوک، بررسی عملکرد این سازمان و جمعیت های وابسته به آن از منظر تأمین اهداف یاد شده در بالا می باشد. با استفاده از اسناد آرشیوی و نیز با کمک روش های توصیفی و تحلیلی، به این نتیجه می رسیم که سازمان کوک نه تنها از اهداف تعریف شده در ابتدای تأسیس خود، فاصله گرفت، بلکه به شبکه ای از مناسبات شخصی به منظور تحصیل هر چه بیشتر قدرت بدل شده بود. واژگان کلیدی: محمد رضا پهلوی، تیمسار علی کیا، سازمان کوک، جمعیت فداکاران آذربایجان.

**The Kook Organization and Jame'at-e Fadakaran-e Azerbaijan,
based on New Found Documents of the "Gard-e Shahanshahi"**

Due to fight any external threat or suppress opponents of monarchy, Mohammad Reza Pahlavi issued a command to establish the Kook Organization on May ۲۹ ۱۹۵۲/Khordad ۸ ۱۳۳۱. Members of this organization, which had defined themselves as a brotherhood group, believed that the development of their activities in towns and villages fulfill the national interests. The most important issue in the present paper is searching on organizational relationship of Kook and its functions to its sub-organizations as well. This article is going to expose too, whether these organizations achieved the goals which mentioned above. Using from the archives and also with the help of descriptive and analytical methods, we can reach the conclusion that the Kook Organization was away not only from objectives which defined at the beginning of its establishment, but it had been turned into a network of personal relations in order to earning more power.

^۱ - عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، (Shahid Beheshti University, G.C.) نشانی اینترنتی:

Soleimany_k@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱

تاریخ تایید: ۸۹/۱۱/۲۶

Keywords: Mohammad Reza Pahlavi, General Ali Kia, Kook Organization, Jameyat-e Fadakaran-e Azerbaija

مقدمه

سازمان کوک در سال ۱۳۳۱ بنا به دستور محمد رضا پهلوی تأسیس گردید. هدف از تأسیس این سازمان در درجه اول مبارزه با دشمنان خارجی بود، بویژه در مواقع بحرانی که ممکن بود بخشی از کشور ایران را به اشغال خود در آورند. جنگجویان سازمان کوک در این هنگام وظیفه داشتند که در راه آزادسازی بخش‌های اشغالی کشور چه در ارتباط با نیروهای ارتش ایران و چه به طور مستقل با روش جنگ‌های نامنظم وارد عمل شوند. هدف دوم سازمان کوک مبارزه با مخالفین سلطنت محمد رضا شاه بود. هسته‌های سازمان کوک از سه تا هفت نفر عضو داشت. اعضای این سازمان که پس از اثبات وفاداری آنان به سلطنت پهلوی و شرکت در مراسم تحلیف، رسماً به عضویت سازمان در می‌آمدند، یکدیگر را برادر می‌نامیدند. سازمان کوک که به شکل سرّی و نامحسوس عمل می‌کرد، با تشکیل جمعیت‌های وابسته و به ظاهر مردمی سعی می‌کرد فعالیت خود را در سطح شهرها و روستاها گسترش دهد. فعالیت این جمعیت‌ها بر خلاف سازمان کوک، آشکار و علنی صورت می‌گرفت.

نخستین منبعی که در ایران به سازمان کوک پرداخته، کتابی است با عنوان "ظهور و سقوط سلطنت پهلوی"^۲ که در جلد دوم آن در ادامه معرفی سپهبد حاجی علی کیا، با اختصار بسیار به جایگاه تاریخی این سازمان اشاراتی نموده است. بنا به روایت این منبع، سازمان کوک در سال ۱۳۳۶ به وسیله تیمسار علی کیا تأسیس^۳ ولی نامبرده در دوره نخست وزیری علی امینی^۴ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ - ۲۷ تیر ۱۳۴۱) بازداشت و پس از تبرئه و رهایی از بازداشتگاه، از ریاست سازمان کوک برکنار و مسئولیت اداره این سازمان به سرلشکر همایونی واگذار گردید.^۵ اثر یاد شده بر اساس اسناد ساواک، عملکرد سازمان کوک در دوران تصدی سرلشکر همایونی را ضعیف و فاقد نظم توصیف کرده و با ارجاع به اوراق بازجویی‌های ارتشبد حسین فردوست، احتمال می‌دهد که سازمان کوک تا وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ به کار خود ادامه داده باشد.^۶

مهمتر از خاطرات فردوست، "خاطرات سپهبد حاجی علی کیا" است که در چهارچوب "طرح تاریخ شفاهی ایران، دانشگاه هاروارد"^۷ در سال ۱۳۸۱ در ایران به چاپ رسید. سپهبد حاجی علی کیا که از رجال نظامی بسیار متنفذ و

^۲ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲ (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰).

^۳ سال ۱۳۳۶ برای تاریخ تأسیس سازمان کوک اشتباه است، جلوتر به تصحیح آن خواهیم پرداخت.

^۴ غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۱ (تهران، رسا، ۱۳۷۷)، ص ۱۷۳ و ۱۹۴.

^۵ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۹۱.

^۶ همانجا، ص ۴۹۳-۴۹۱.

^۷ علی کیا (سپهبد)، خاطرات سپهبد حاجی علی کیا، به کوشش حبیب لاجوردی؛ [برای] مرکز مطالعات خاورمیانه. طرح تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد، (تهران: زیبا، ۱۳۸۱)

نزدیک به محمد رضا شاه بود، ضمن اشاره به سیر پیشرفت خود در دستگاه نظامی ایران به موضوعات بسیاری از جمله، اسرار قتل رزم آرا و عضویت اسمائیل راین در سازمان کوک^۸ و نیز چگونگی تشکیل این سازمان می پردازد.

بنا به ادعای سپهبد علی کیا ایده تشکیل سازمانی با کارکرد تشکیلاتی مانند سازمان کوک، بر می گردد به سال هایی که ایران در دوران جنگ جهانی دوم در اشغال نیروهای متفقین بود. او به همراه افراد قوم و خویش خود در "کلارستا و کجور" چالوس به منظور مبارزه با نیروهای اشغالگر "کمیته ای بنام حزب جنگل" تشکیل داد و پس از صدور فرمان تشکیل سازمان کوک به وسیله محمد رضا شاه،^۹ همین گروه کوچک "هسته مرکزی سازمان کوک" را بوجود آورد و نام سازمان کوک از حروف اول "کلارستا و کجور" ساخته شد.^{۱۰} یکی از ویژه گی های خاطرات سپهبد کیا، برجسته کردن غلو گونه اقدامات نامبرده به هنگام تصدی وی بر سازمان کوک است: "من صد و بیست هزار سرباز بدون جیره، بدون پول، بدون مواجب برای شاه درست کردم... اما این فکر چه طور شد بوجود آمد و من چطور نابغه (ای) بودم که یک همچین سازمانی درست بکنم؟"^{۱۱} چنانچه فرض را بر صحت آماری بگذاریم که به وسیله کیا ارائه شده است، با وجود این اسناد مورد استفاده در این مقاله به خوبی نشان می دهند، بخش عمده این یک صدویست هزار نفر را، کشاورزان و افراد بعضی از عشایر تشکیل می داد که با پیوستن کدخدای یک ده و یا با به عضویت در آمدن بزرگ یک ایل، اعضای آن روستا و یا آن ایل به عضویت یکی از سازمان های زیر مجموعه سازمان کوک در می آمدند. چون در متن مقاله حاضر به تفصیل و با ذکر جزئیات به این مطلب پرداخته ایم، بنابراین در اینجا از ارجاع به اسناد خوداری می شود. و نیز ناکارآمدی این سازمانی را که کیا، خود را بدلیل داشتن نقش بنیانگذاری در تأسیس آن نابغه خوانده است، به وضوح مبرهن می گردد. یکی دیگر از بزرگ نمایی های بی مورد کیا مربوط به نقش او و سازمان کوک در سرنوونی و کودتا بر علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق است. وی بیان می دارد که در این زمینه سازمان او بیشترین کمک را کرده است.^{۱۲} حال آنکه اسناد مربوط به سازمان کوک ادعای کیا را اکیداً رد می کند و از طرف دیگر منابع بیشماری دلالت بر کارگردانی دولت امریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۳۳۲ دارد. اگر چه کیا به تاریخ دقیق تأسیس سازمان کوک اشاره نمی کند، با وجود این اعتراف وی به نقش سازمان کوک در کودتای یاد شده، روایت فردوست درباره زمان تشکیل سازمان کوک در سال ۱۳۳۶ را به طور قاطع رد می کند.

حسن علوی کیا که از نظامیان بلند مرتبه هم زمان با علی کیا بود، در خاطرات خود که در چهارچوب "برنامه تاریخ شفاهی" برای "بنیاد مطالعات ایران"^{۱۳} تهیه شده است، اعتراف می کند نامبرده در سال ۱۳۳۱ به سازمان کوک و سپس به عضویت هیئت مؤسس در آمد، ولی به دلیل مخالفت تیمسار باتمانقلیچ رئیس ستاد ارتش که او هم از اعضای هیئت مؤسس سازمان کوک بود، خیلی زود این سازمان را رها کرد.^{۱۴} علوی کیا معتقد است که علی کیا آدم جاه طلبی

^۸ همان. ص ۷۹ و ۱۱۲.

^۹ علی کیا مدعی است که او از محمد رضا پهلوی خواسته است تا فرمان تشکیل سازمان کوک را صادر نماید (همان. ص ۵۱).

^{۱۰} همان. ص ۶۳-۶۴.

^{۱۱} همان. ص ۳۹.

^{۱۲} همان. ص ۳۷.

^{۱۳} Foundation for Iranian Studies

^{۱۴} حسن علوی کیا، خاطرات حسن علوی کیا، به کوشش اکبر اعتماد؛ [برای] بنیاد مطالعات ایران (Foundation for Iranian Studies)، طرح تاریخ شفاهی ایران. (سایت اینترنتی Foundation for Iranian Studies)، ص ۷-۴.

بود و از این سازمان در راستای اهداف شخصی خو بهره می گرفت.^{۱۵} در هر حال خاطرات علوی کیا اطلاعات زیادی درباره سازمان کوک در اختیار ما نمی گذارد.

مقاله پیش رو بر پایه اسناد منحصر بفرد "گارد شاهنشاهی" موجود در بایگانی کاخ موزه نیاوران نگارش یافته است. نگارنده در سال ۱۳۸۵ بنا به سفارش سازمان میراث فرهنگی ایران از ۹۱۷۶ برگ از اسناد موجود در کاخ موزه نیاوران که شامل "اسناد گارد شاهنشاهی" می شد، یک آرشیو دستی و دیجیتال طراحی و تأسیس نمود.^{۱۶} اسناد مربوط به سازمان کوک در واقع بخشی از اسناد گارد شاهنشاهی است که مقاله حاضر حاصل یادداشت های نگارنده از روی این اسناد می باشد. مهمترین ویژه گی اسناد مربوط به سازمان کوک این است که ما را در جریان جزئی ترین مسائل مربوط به سازمان کوک، اعضای این سازمان و نیز جمعیت های وابسته به سازمان کوک، مانند "جمعیت فداکاران آذربایجان"، قرار می دهد. با وجود این، اسناد مورد استفاده در این مقاله دارای کمبودهایی است که نگارنده امیدوار است پس از انتشار مقاله، محققین دیگر این پژوهش را ادامه داده و نقایص موجود را بر طرف نمایند. اسناد یاد شده در بالا تا کنون منتشر نشده و مورد استفاده هیچ محققى قرار نگرفته است.

اندیشه تشکیل سازمان کوک و ایجاد جمعیت های شبه مردمی وابسته به آن چون جمعیت فداکاران آذربایجان، از پی حوادث ناگواری که در استان های غربی کشور در سال های پس از سقوط رضا شاه تجربه شد، بوجود آمد. زیرا برخی از چهره های فعال محلی این جمعیت، از کسانی بودند که در دوره تسلط فرقه دموکرات بر آذربایجان فعالیت های میهن خواهانه ای داشته اند. یکی از اینان تقی سلیمانی، فرزند سید داود امیرالممالک^{۱۷}، است که در مدارک مربوط به ورود نامبرده به جمعیت فداکاران آذربایجان قید شده است که او "سرپرستی ستون غیر نظامی در جنگ اشراز آستارا به سال ۱۳۲۲" را به عهده داشته است.^{۱۸} ضمناً عوامل وی در ۱۷ اسفند ۱۳۲۳ ضمن حمله به "کلوب حزب" دموکرات در آستارا "جمع افراد را کتک کاری، تابلو و اثاثیه حزب را شکسته" و زمانی رئیس حزب دموکرات در آستارا با درج این خبر در روزنامه حزب دموکرات "جودت" از مسئولین این حزب تقاضای رسیدگی می نماید.^{۱۹}

پس از سقوط جمهوری آذربایجان، سرتیب باتمانقلیچ فرمانده تیپ اردبیل، در ۲ اردیبهشت ۱۳۲۶ طی نامه ای به تقی سلیمانی، رئیس اداره کشاورزی شهر آستارا، از وی می خواهد که به منظور قدردانی از همراهی کسانی که "با کمال از خود گذشتگی به منویات ارتش خدمت نموده اند"، "صورت جامعی" تهیه و به ستاد تیپ اردبیل ارسال دارد.^{۲۰} از جمله دیگر افرادی که در این دوره به طرفداری از دولت مرکزی از خود خدمتی نشان داده و مورد لطف قرار گرفتند،

^{۱۵} همان، ص ۱۴-۱۳.

^{۱۶} در این آرشیو، اسناد به صورت موضوعی طبقه بندی شده و هر موضوع خاص، به واقع یک پرونده سند را تشکیل می دهد. در درون هر پرونده، برای هر برگ سند یک شناسنامه تهیه شده که علاوه بر شرح گزیده محتوای آن برگ سند، کلیه کلید واژه ها نیز استخراج و به لحاظ موضوعی طبقه بندی و به همراه عکس هایی که قبلاً از هر برگ سند گرفته شده، در یک برنامه دیجیتال قرار داده شده است. با کمک این نرم افزار، پژوهشگر می تواند هم با انتخاب موضوع و یا با دادن یک کلید واژه به دستگاه رایانه، در کمترین زمان به محتوای همه اسناد مربوطه دسترسی داشته باشد، علاوه بر آن نرم افزار یادشده محقق را قادر می سازد تا تصویر هر برگ سند را نیز مشاهده نماید.

^{۱۷} آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، پرونده ۱-۲-گ، تصویر سند (۵۸۰).

^{۱۸} همان، همان تصویر.

^{۱۹} همان، سند ۶۳۸-۱۲/۱۲/۱۳۲۳، تصویر (۵۵۰).

^{۲۰} همان، سند ۶۶۴۴-۲۹۳۵/۱۰-۱۳۲۶/۲، تصویر (۵۲۰).

جلال بصیر فرزند عبدالله و کارمند اداره فرهنگ آستارا و احمد فردین فرزند ابراهیم اهل آستار هستند که در جریان کودتا بر علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق در روزهای منتهی به ۲۸ مرداد از شاه حمایت کردند.^{۲۱}

آئین نامه های سازمان کوک

یقیناً سازمان کوک، بر خلاف آنچه که در خاطرات فردوست آمده است، در سال ۱۳۳۶^{۲۲} تشکیل نشده است، بلکه بر اساس اسناد آرشیو کاخ موزه نیاوران پیدایش سازمان کوک به سال ۱۳۳۱ بر می گردد.

در میان اسناد گارد شاهنشاهی، در آرشیو کاخ نیاوران، سندی موجود است که با عنوان "بفرمان شاهنشاه ایران محمدرضا شاه پهلوی" آغاز و در آن یک دستورالعمل نه ماده ای به منظور تأسیس سازمان کوک تنظیم شده است. مطابق با سند یاد شده که در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۳۱ نگارش یافته است، سازمان کوک به واقع یک سازمان منطقه ای بوده و اعضای آن وظیفه داشتند، هر گاه منطقه آنان بطور موقت در تصرف یک نیروی بیگانه قرار گیرد با تمام توان از آن بخش از میهن دفاع نمایند.^{۲۳}

به دلیل اهمیت سند یاد شده، همه اصول مندرج در آن که چگونگی تشکیل و وظایف سازمان کوک را بر ما آشکار می نماید، به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد.

اولین گام در جهت تأسیس سازمان کوک، بر اساس اصل ۱، "بنا به تصویب شاهنشاه" در مناطق مورد نظر باید از میان افراد "شاه دوست و میهن پرست" یک کمیته سه تا هفت نفری تشکیل و مسئولیت منطقه بر عهده آن کمیته واگذار گردد.

چنین پیش بینی شده بود که کلیه فعالیت های کمیته اصلی چه در زمان صلح و یا به هنگام جنگ "بکلی سرّی و محرمانه" باشد. (اصل ۲) هر کمیته اصلی نخستین جلسه خود را "با حضور سرپرست خود که نماینده اعزامی شاهنشاه از مرکز" بوده پس از سوگند وفاداری "بذات مقدس ملوکانه ومیهن و هم میهنان عزیز" فعالیت های خود را به جهت توسعه سازمان و انتخاب "فداکاران کوک" آغاز نماید. به این ترتیب شاخه های منطقه ای این سازمان به طور مستقیم با شاه در ارتباط بودند.

در حالیکه جلسات هر کمیته اصلی به طور منظم، هفته ای یک بار، و در محل های غیر ثابت تشکیل می شده است، "نفرات سازمان کوک نبایستی یکدیگر را بشناسند، مگر آنکه ضرورت خدمتی و همکاری بین آنها ایجاب شناسایی نماید." (اصل ۳) البته آن چه که در اصل سوم پیش بینی شده بود در عمل محقق نگردید و اعضای سازمان کوک، چنانکه در ادامه مقاله خواهیم دید، عموماً همدیگر را می شناختند.

کمیته اصلی، برابر با اصل ۴ دستورالعمل یاد شده، موظف شده بود به منظور هم تأمین هزینه های خود و نیز به منظور ایجاد استتار در زمان صلح اقدام به تأسیس سازمان های عام المنفعه "مثل اتحادیه کشاورزان، شرکت تعاونی اتحادیه فامیلی و یا سازمان های دیگری که برای مبارزه سیاسی زمان صلح مقتضی و مفید باشد تشکیل دهد" و از

^{۲۱} همان. تصاویر ۵۸(۰) و ۵۸(۱) و ۵۸(۲).

^{۲۲} ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۸۷ و ۴۹۱.

^{۲۳} آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، پرونده ۲-۱-گ، سند ۱۳۳۱/۳/۸، تصویر سند (۰)۴۳

مردم در برابر "تبلیغات سوء احزاب و سازمان های مخالف دولت جلوگیری" نمایند. بنابراین یکی دیگر از وظایف سازمان کوک مبارزه با احزاب و گروه های سیاسی داخل کشور بود. مبارزه عوامل این سازمان با حکومت ملی دکتر محمد مصدق همواره یکی از افتخارات جدی اعضای سازمان کوک به حساب می آمده است.^{۲۴}

مهمترین وظیفه سازمان کوک ایجاد بسیج سیاسی نظامی مردمی در سطح مناطق کشور بوده است. هر کمیته اصلی وظیفه داشت مردم ساکن در حوزه عملیاتی خود را "اعم از مرد و زن و کودکان از ده سال به بالا را تحت مطالعه و بررسی و عنداللزوم آزمایش قرار داده از هر کدام بیوگرافی دقیق و جامع تهیه و برای هر کدام پرونده انفرادی تشکیل می دهد و وظایف هر شخصی را بفراخور حال و استعدادش از سه نقطه نظر ارتباط (به ویژه آشنایی به مرس و کار کردن با بیسیم)، تخریب و تیراندازی تشخیص داده" و سپس آنان را به منظور فراگیری "تعلیمات تخصصی به مرکز تعلیمات تعیین شده" اعزام دارند. (اصل ۵)

اصل ششم از دستورالعمل فوق چگونگی تشکیل واحدهای زیر زمینی سازمان کوک را معین می کند. از میان اعضای این سازمان، افراد زنده انتخاب و در چهارچوب گردان های رزمنده و بر اساس آیین نامه جداگانه ای، "واحدهای فدائی" تشکیل و تحت تعلیمات قرار می گیرند.

اصل هفتم مقرر می دارد که فرماندهی واحدهای زیرزمینی محلی در زمان صلح تابع کمیته محلی ولی در زمان جنگ "به عهده شخصی خواهد بود که ریاست کمیته محلی کوک را احراز نموده و بنابراین تمام دستورات مرکز در زمان جنگ به وسیله کمیته به واحدهای کوک ابلاغ می گردد."

به هنگام صلح و یا جنگ کمیته اصلی موظف بود "کوچکترین جنبش سیاسی یا نظامی را زیر نظر گرفته" و ضمن ارسال اطلاعات جمع آوری شده به مرکز "نبایستی منتظر سؤال از مرکز باشد بلکه با استفاده از وسایل مخابراتی که در اختیار دارد همیشه مرکز را در جریان تمام وقایع منطقه یا دایره عمل خود" بگذارد. و در انتها اصل نهم راه را برای صدور آیین نامه های جدید، در صورت لزوم، باز گذاشته بود.^{۲۵}

آیین نامه جنگجویان کوک

در ارتباط با اصل ششم از "فرمان" یاد شده در بالا، آیین نامه ای به نام "آیین نامه جنگجویان کوک" در سه فصل، مجموعاً شامل ۲۹ بند، تهیه گردید. در فصل اول که با عنوان کلیات مشخص شده، شامل ۱۴ بند است. در این فصل ضمن بیان خطراتی که از جانب دشمن بیگانه می تواند کشور و مردم ایران را مورد تهدید قرار دهد، به "وظایف عمومی" جنگجویان کوک چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ می پردازد.

مهمترین بند این آیین نامه مربوط به سازماندهی جنگجویان کوک است، که چگونگی شکل گیری آن در سه مرحله پیش بینی شده است. در اولین مرحله بعد از اینکه افراد برگزیده شده از آزمایش های طبی موفق بیرون آمدند، و نیز پس از تشریفات مربوط به ادای سوگند، تعداد نه نفر به فرماندهی یک گروه بان به عنوان یک گروه به مرکز تعلیماتی خاص خود اعزام می گردند. در مرحله دوم "هر سه گروه تشکیل یک دسته داده و فرماندهی هر دسته به عهده یکی از جنگجویان که همپراز افسر جزء یا استوار خواهد بود، واگذار می شود و هر سه دسته تشکیل یک

^{۲۴} همان. تصاویر اسناد (۵۸۰) و (۵۸۱) و (۵۸۲).

^{۲۵} همان.

گروهان را داده و با پنج افسر جزء، ستاد گروهان را تشکیل خواهند داد" که "به طور کلی با افسران و گروهانان یکصد نفر خواهند شد، تحت فرماندهی یکی از جنگجویان یا افسر محلی که خدمت احتیاط افسری را انجام داده و یا افسر کادر ثابت محلی رهبری خواهد شد."^{۲۶} در سومین مرحله از سازماندهی جنگجویان کوک، سه گروهان در کنار هم قرار گرفته و تشکیل یک گردان به فرماندهی یک افسر با تجربه ارتش که در صورت امکان باید از اهالی محل باشد، می دهند. سازمان ستاد "این گردان بدون در نظر گرفتن سلاح سنگین و عنداللزوم با در نظر گرفتن سلاح ضد عرابه معادل با ستاد یک گردان ارتش در نظر گرفته می شود."^{۲۷}

در بند ۱۴ از فصل اول آیین نامه جنگجویان کوک، سلاح رزمندگان کوک را متناسب با جنگ های غیر منظم شامل "تفنگ و تفنگ خودکار و طپانچه و مین و مواد منفجره و غیره" تعیین نموده است.^{۲۸} فصل دوم از آیین نامه یاد شده به تاکتیک های جنگی جنگجویان کوک در ارتباط با "جنگ در جنگل"، "جنگ در اراضی کوهستانی"، "مأموریت در مناطق مختلف"، "اطلاعات و ضد اطلاعات"، "تأمین"، "تبلیغات و جنگ اعصاب"، "ایجاد اغتشاش"، "کمین"، و "دستبرد" می پردازد.^{۲۹}

در فصل سوم در حالی که به لباس و ساز و برگ، حقوق و جوائز، سلاح و تجهیزات، تشویقات و ترفیعات و تنبیهات افراد رزمنده کوک می پردازد، رهبران سازمان کوک را موظف می کند که هزینه های زندگی جنگجویان کوک باید از محل "غارت (دشمن) و یا از منابع دولتی یا منابع تجارته و فلاحتی در محل، عایداتی" که بدست می آید تأمین گردد.^{۳۰} افراد این سازمان و نیز جمعیت های وابسته به آن موظف بودند که علاوه بر مطالعه آئین نامه های بالا، کتاب های پارتیزانی که از تهران ارسال می شد، مطالعه نمایند.^{۳۱}

شاخه های منطقه ای سازمان کوک

بخش عمده اسناد سازمان کوک، مربوط به مکاتبات میان دو شخصیت اصلی این سازمان می باشد: تیمسار علی کیا به عنوان رئیس ستاد کل سازمان کوک^{۳۲} در تهران و سرهنگ روحانی فرمانده تیپ مستقل اردبیل که در واقع پس از تیمسار علی کیا مسئولیت اجرائی سازمان کوک و کلیه جمعیت های وابسته به این سازمان در شمال غربی کشور را به عهده داشت. اسناد موجو نشان نمی دهد که شاخه های دیگر این سازمان در مناطق دیگر کشور تشکیل شده باشد. مراکزی که در این منطقه تشکیل شد، عبارتند از اردبیل که خود شامل نمین، خلخال و مشکین شهر می شد، میانه و آستارا دو مرکز فعال دیگر در این منطقه بودند. در ارتباط با سراب، اگر چه تیمسار علی کیا تلاش های بسیار نمود تا سازمان کوک را در آنجا تشکل دهد، با وجود این موفق نبود.

اردبیل

^{۲۶} همان، سند ۱۳۳۰، تصویر سند (۱) ۴۴، ص ۲.

^{۲۷} همانجا، همان سند، ص ۲.

^{۲۸} همانجا، همان سند، تصویر (۴) ۴۴، ص ۵.

^{۲۹} همانجا، همان سند، ص ۱۱-۶.

^{۳۰} همانجا، همان سند، ص ۱۱.

^{۳۱} همان، تصویر سند (۰) ۴۶.

^{۳۲} همان، سند ۹/۲۷ تا ۱۳۳۳/۱۱/۲۷، تصویر (۴) ۷۲.

سرهنگ روحانی در نامه ای به تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۳ به تیمسار علی کیا در خصوص تشکیل سازمان ها و جمعیت های وابسته به سازمان کوک کسب تکلیف می کند. علی کیا در پاسخ نامه سرهنگ روحانی، در حالی که آنان همواره یکدیگر را با عنوان "برادر عزیزم" خطاب می کردند، ضمن موافقت با توسعه سازمان، تأکید می ورزد که در رأس جمعیت های وابسته به سازمان کوک باید از برادران باشند.^{۳۳}

کسانی که به عضویت سازمان کوک در می آمدند، برادر نامیده می شدند. هر فرد پس از عضویت در سازمان، در تشریفات مربوط به ادای قسم شرکت می کرد. در این تشریفات فرد با حضور نماینده مرکز، ضمن قسم به "قرآن کریم" در "خدمت به کشور و شاهنشاه" و "اجرای مفاد فرمان و آیین نامه های کوک" سوگند یاد می کرد، "سربازان کوک را برادر و یا خواهر و یا فرزندان خود بدانم و همیشه برای سعادت و موفقیت آنها و توسعه سازمان کوک بکوشم. پدر و مادر و اقوام صالح آنها پدر و مادر و اقوام صالح خود بدانم."^{۳۴} به این ترتیب گارگردانان این سازمان در دربار پهلوی سعی داشتند، با توجه به ذهنیت مثبت ایرانیان نسبت به پیشینه تاریخی گروه های اخوت، یک شکل آئینی- جوانمردانه به سازمان کوک بدهند. تیمسار علی کیا در یکی از نامه های خود خطاب به سرهنگ روحانی از ایدئولوژی کوک سخن می گوید که اعضا باید "آن را فهمیده و به آن ایمان کامل پیدا" کنند.^{۳۵}

تاریخ دقیق تشکیل سازمان کوک در اردبیل مشخص نیست. علی کیا در ۲۷ آذر ۱۳۳۳ از روحانی می خواهد "باید در اردبیل کمیته اصلی از اشخاصی تشکیل شود که اگر یک روزی دست شما و بنده و سایر مقامات به آن منطقه نرسد بتوانند خودشان منطقه را اداره نمایند"^{۳۶} البته علی کیا توصیه می کند که در اردبیل دو کمیته اصلی تشکیل و هر کدام از آنها کمیته های فرعی را تشکیل داده و بدون اینکه کمیته های اصلی یکدیگر را بشناسند، هر یک کمیته های فرعی و جمعیت های وابسته به خود را به استقلال اداره نمایند.^{۳۷}

پاسخ سرهنگ روحانی به تیمسار علی کیا حکایت از آن دارد که پیش از تاریخ نامه یاد شده، سازمان کوک در اردبیل تشکیل شده و یا حداقل در شرف تشکیل بوده است. اما بنا به گزارش او، در اردبیل دو گروه وابسته به سازمان کوک، "سازمان فداکاران آذربایجان" تشکیل و "سازمان جمعیت میهن پرستان که قریباً افتتاح خواهد شد"، وجود داشته است. در یکی از نامه های سرهنگ روحانی از رسول صمیمی به عنوان سرپرست جمعیت میهن پرستان اردبیل که به مناسبت شرکت در رژه روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۴ با لباس متحدالشکل بسیار فعالیت نمود، نام می برد. به این دلیل نامبرده به وسیله تیمسار علی کیا مورد تقدیر قرار می گیرد.^{۳۸}

در مناطق مختلف معمولاً سعی می شده است که برخی از رؤسای نهادهای دولتی را یا به عضویت سازمان کوک و یا به عضویت یکی از جمعیت های وابسته به این سازمان در آورند. در اردبیل که اطلاعات موجود درباره

^{۳۳} همان. همان سند، تصویر (۰)۷۲.

^{۳۴} همان. سند ۱۱۳-۱۲/۹-۱۳۳۳، تصویر (۰)۹۷.

^{۳۵} همان. سند ۹/۲۷ تا ۱۳۳۳/۱۱/۲۷، تصویر (۱)۷۲.

^{۳۶} همان.

^{۳۷} همان.

^{۳۸} همان. سند ۱۳۳۴، تصاویر (۰)۱۱۵ و (۰)۱۱۳.

اعضای سازمان کوک در این شهر بسیار اندک است، احمد حبیب الله زاده رئیس اداره فرهنگ این شهر، در آذر ماه ۱۳۳۳ پس از انجام مراسم مربوط به قسم، به عضویت سازمان یاد شده پذیرفته شد.^{۳۹}

در حومه اردبیل می توان از "سازمان فداکاران آذربایجان در نمین" که بسیار فعال بوده است، و نیز از سازمان فداکاران در ایل یورتچی نام برد.^{۴۰} در گرمی^{۴۱} و بيله سوار اساساً اقدام جدی به جهت تشکیل سازمان های یاد شده صورت نگرفت "چون اطمینان به عشایر نیست". سرتیپ روحانی در انتهای نامه خود اظهار امیدواری می کند که به زودی "تمام سازمان های برادری و سازمان های وابسته این منطقه" به نحو احسن تشکیل گردد.^{۴۲} بنابراین از دید بنیان گذاران سازمان کوک، این تشکیلات یک سازمان برادری بوده است، اگرچه آینده خلاف این امر را نشان داد.

نمین

در اسناد مربوط به "جمعیت فداکاران آذربایجان در بخش نمین و یلکیج"، سه صورتجلسه بجا مانده است که بررسی محتوای آنها به ما کمک می کند تا میزان جدی بودن این جمعیت ها را در تحقق اهدافی که به روی کاغذ اعلام شده بود دریابیم.

صورتجلسه اول مربوط به ۱۲ مرداد ۱۳۳۳ است که تاریخ تأسیس این جمعیت را در همین روز اعلام داشته و بیان می دارد که "از تاریخ فردا به ثبت اسامی اشخاص واجد شرایط و داوطلب عضویت اقدام شود." در جلسه دوم که به فاصله تقریباً سه ماه، در ۸ آبان ماه برگزار گردید، "دکتر علیزاده نماینده جمعیت مرکزی" جمعیت نمین را رسماً افتتاح نمود. پس از یک سخنرانی مبسوط توسط ایشان، پیرو شاه دوستی و میهن پرستی و مبارزه با بیگانگان، از مدعوین پذیرائی شد. جلسه سوم در ۱۱ اذر ماه همین سال به مناسبت دومین سال سوء قصد نافرجام به "آقای دیهیم رهبر مبارز و با شهامت جمعیت مجلس جشن و شادمانی" برگزار و توسط هیئت مدیره جمعیت، سخنرانی هایی در اطراف ویژگی های شاه دوستی و میهن پرستی آقای دیهیم و مبارزه نامبرده با بیگانگان ایراد گردید. در پایان این جلسه یک هیئت مدیره شش نفره انتخاب گردید. سید داود سلیمانی (امیرالممالک سابق) به عنوان دبیر این هیئت برگزیده شد.^{۴۳} در این سه صورتجلسه که بیشتر از سیزده سطر را شامل نمی شود، به مسائل اساسی زندگی اجتماعی فرهنگی و نیازهای واقعی مردم و آینده جامعه کمترین اشاره ای نشده است. هم جلسات و هم آنچه که در این جلسات مورد گفتگو قرار گرفته، جنبه تشریفاتی داشته است.

بعد از آخرین جلسه، و در پی ستورالعمل فرماندهی تیپ اردبیل به تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۳۳، سید داود سلیمانی به عنوان دبیر جمعیت فداکاران نمین اقدام به عضو گیری می کند. نامبرده در فاصله پانزده روز بعد از "امریه" فوق در گزارشی که برای فرماندهی تیپ اردبیل تهیه نموده، از ۱۰۶ نفر عضو جدید خبر می دهد.^{۴۴}

^{۳۹} همان. سند ۶/۲۲ تا ۶/۲۸/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۲) ۶۲.

^{۴۰} همان. تصویر سند (۰) ۵۳.

^{۴۱} البته در شمال هندسی ساختار تشکیلاتی سازمان کوک، جایی برای منطقه گرمی (همانجا، همان پرونده، تصویر (۱) ۴۵) پیش بینی شده است. احتمالاً این سازمان در منطقه گرمی نیز فعال بوده است، اگر چه اسناد مربوط به آن هنوز توسط نگارنده یافته نشده است.

^{۴۲} همان. تصویر سند (۱) ۵۳.

^{۴۳} همان. سند ۵/۱۲ تا ۵/۱۱/۹/۱۳۳۳، تصویر (۰) ۶۲.

^{۴۴} همان. سند ۶-۱۷/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۰) ۷۷.

دو فهرست شامل اسامی اعضای جمعیت یاد شده، که در ۲۸ دیماه و ۹ بهمن ماه تهیه شده اند به ترتیب ۹۰ و ۳۴ نفر را در بر می گیرد.^{۴۵} از میان فهرست ۹۰ نفری هفت نفر مالک، چهار نفر زارع مالک، ۵۴ نفر زارع، دو نفر محصل و بقیه شامل خیاط، قصاب، بقال و کارگر و یک نفر کارمند مرزبانی می شدند. در میان افراد بالا حتی یک نفر معلم یا چهره فرهنگی دیده نمی شود.^{۴۶} در حالیکه تعداد اعضای جمعیت نمین در ۲۵ اسفند ماه به ۱۸۰ نفر بالغ می شد،^{۴۷} این رقم در ۲۸ خرداد سال ۱۳۳۴ به ۴۲۰ افزایش یافت.^{۴۸}

ترکیب اعضای جذب شده در جمعیت فداکاران آذربایجان واحد نمین، با توجه به خواستگاه اجتماعی آنان بیانگر تقدم رشد کمی سازمان نسبت به توسعه کیفی آن در نزد تصمیم سازان سازمان کوک بوده است. این افراد با همان شتابی که جذب سازمان می شدند، به مراسم تحلیف نیز، که در برخی مواقع با حضور روحانی محل صورت می گرفت، دعوت می شدند. سید داود سلیمانی در گزارش ۲۶ بهمن ۱۳۳۳ خود به فرمانده تیپ اردبیل، از مراسم تحلیف اعضای این جمعیت یاد می کند که "در حضور حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا احمد زاهدی مجتهد نمینی به قران مجید سوگند یاد نمودند که تا آخرین قطره خون که ... نسبت به شاهنشاه محبوب و میهن عزیز وفادار" بمانند.^{۴۹} آخرین سندی که در ارتباط با جمعیت فداکاران آذربایجان واحد نمین موجود است، مربوط می شود به سال ۱۳۳۵. در سند یاد شده سرتیپ روحانی از ارتباط نزدیک و مشکوک یک غیر نظامی بنام رحیم ودادی از اهالی نمین با "سازمان های کوک" و نیز "دربار شاهنشاهی" به مرکز گزارش می دهد. سرتیپ کیا در پاسخ ضمن تأیید نظر سرتیپ روحانی از وی می خواهد که از نزدیک شدن فرد نامبرده "با افراد سازمان جداً جلوگیری بعمل آید."^{۵۰}

ایل یورتچی

سرتیپ کیا در نامه ای که مربوط به تیرماه سال (احتمالاً) ۱۳۳۳ می شود، روش نفوذ در عشایر را توضیح می دهد. بنا به توصیه وی به منظور تبلیغ در عشایر نباید به بدنه عشایر نزدیک شد، "بلکه فقط رؤسای آن ها را باید داخل سازمان نمود و آن ها را کاملاً مقید به حفظ و انجام تعهد نمود."^{۵۱} متناسب با این روش "تیمسار هاشم امین سرپرست عشایر شاهسون"^{۵۲} پس از انجام مراسم تحلیف در "ساعت ۱۶ روز نهم اسفند ماه ۱۳۳۳ (۱۳) در حضور سرلشکر (نصراله) مقبلی" به عضویت سازمان کوک در آمد.^{۵۳}

نکته ای که در نامه سرتیپ کیا حائز اهمیت است، اشاره او در بکار گیری روش موفقیت آمیز وی در ارتباط گیری از طریق سران عشایر است که بنا به زعم کیا "در سایر مناطق عشایری" اعمال شده است.^{۵۴} در اسناد موجود در

^{۴۵} همان. سند ۱۰۸-۱۰۸/۲۸-۱۳۳۳/۱۱/۹، تصاویر (۸۵(۰) و (۸۵(۱)

^{۴۶} همان. سند ۱۰۸-۱۰۸/۲۸-۱۳۳۳/۱۰/۲۸، تصاویر (۸۳(۱) و (۸۳(۲) و (۸۳(۳)

^{۴۷} همان. سند ۲۶-۱۳۳۳/۱۲/۲۵، تصویر (۹۹(۰)

^{۴۸} همان. سند ۶۱-۱۳۳۴/۳/۲۸، تصویر (۱۰۵(۰)

^{۴۹} همان. سند ۱۷-۱۳۳۳/۱۱/۲۶، تصویر (۹۵(۰)

^{۵۰} همان. سند ۱۸۲-۱۳۳۵/۶/۱، تصاویر (۱۲۰(۰) و (۱۲۰(۱)

^{۵۱} همان. تصویر سند (۵۶(۰)

^{۵۲} همان. تصویر سند (۴۶(۰)

^{۵۳} همان. سند ۱۱۳-۱۳۳۳/۱۲/۹، تصاویر (۹۷(۰) و (۹۷(۱)

^{۵۴} همان. تصویر سند (۵۶(۰)

بایگانی کاخ موزه نیاوران، اشاره ای که بیانگر فعالیت سازمان کوک در دیگر مناطق عشایری مورد نظر تیمسار کیا باشد، مشاهده نمی شود.

سرهنگ روحانی در دو گزارش خود به سرتیپ کیا، به دو سازمان مرتبط با فعالیت های ایل یورتچی اشاره دارد؛ "سازمان فداکاران در ایل یورتچی" به عنوان یکی از سازمان های حومه اردبیل^{۵۵} و دیگری "جمعیت میهن پرستان یورتچی به سرپرستی آقای حمید خان خسروی پسر آقای (محمد) رشدالسلطنه یورتچی"^{۵۶}. احتمالاً این دو جمعیت یکی می باشند که از روی سهو به دو نام مورد اشاره قرار گرفته است. زیرا در فهرستی که شامل اسامی ۱۴۱ نفر از افراد ایل یورتچی می باشد، در بالای آن عنوان "فدائیان شاهسون شاه پرست طایفه یورتچی"^{۵۷} درج شده است. واژه فدائیان معمولاً برای سازمان فداکاران آذربایجان بکار می رفته است، حال آنکه در بالای این فهرست نام حمید خان خسروی سرپرست "جمعیت میهن پرستان یورتچی" به چشم می خورد. بنابراین می شود نتیجه گرفت که در ارتباط با ایل یورتچی فقط یک سازمان، "سازمان فداکاران در ایل یورتچی" فعال بوده است.

در فهرست یاد شده، تاریخ ثبت نام ۱۴۱ نفر از افراد ایل یورتچی از ۲۲ آذر سال ۱۳۳۳ شروع و به ۲۱ دی ماه همان سال خاتمه می یابد.

میانه

در شهر میانه دو گروه به نام های "سازمان فداکاران به رهبری شقاقی" و "جمعیت جانبازان میهنی به رهبری گرمردی" فعالیت می کردند "که رهبر هیچکدام از برادران (منظور سازمان کوک) نبوده و "جمعیت جانبازان میهنی" از طرف "دربار شاهنشاهی تقویت" می شده است. اگر چه هدف فعالیت های این دو گروه ظاهراً مشترک بود، با وجود این همواره در اختلاف بوده اند.^{۵۸}

شهر میانه یکی از مراکز مهم سازمان کوک بود. در این شهر، سازمان کوک یک کمیته اصلی داشت که از میان فعالین جمعیت های فداکاران آذربایجان افرادی را به منظور جذب در سازمان کوک گزینش و به تیمسار علی کیا در تهران معرفی می کردند.^{۵۹} با وجود جایگاه مهم شاخه سازمان کوک در میانه، اعضای دو جمعیت وابسته به سازمان کوک در این شهر در گزارش هایی که به سرهنگ روحانی در اردبیل می دادند، همواره خود را به شعار "خدا-شاه-میهن" وفادار دانسته و طرف مقابل را خائن و خلافکار معرفی می کردند.

جمعیت جانبازان میهنی میانه در روز جمعه ۴ تیر ماه ۱۳۳۳ با نطق فرماندار میانه، شریعت اهری^{۶۰}، شروع بکار خود را جشن گرفت. در گزارشی که از طرف این جمعیت تهیه و به سرهنگ روحانی ارسال گشت، گروه دوم، سازمان فداکاران آذربایجان شاخه میانه به رهبری هوشنگ شقاقی، را متهم کرده که با "عناصر چپ افراطی" ارتباط نزدیک داشته و در ده سال پیش از آن همواره مرتکب فعالیت های ضد میهنی شده است. به همین ترتیب اعضای انجمن شهر

^{۵۵} همان. تصویر سند (۵۳/۰).

^{۵۶} همان. تصویر سند (۴۶/۰).

^{۵۷} همان. سند ۱۱۲-۱۱۸/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۹۲/۰)، (۹۲/۱)، (۹۲/۲) و (۹۲/۳).

^{۵۸} همان. تصویر سند (۵۳/۰) و نیز همان پرونده، سند ۱۳۳۴، تصویر (۱۱۵/۰).

^{۵۹} همان. سند ۶۸-۱۳۳۴/۳/۱۶، تصویر (۱۰۲/۱).

^{۶۰} همان. سند ۱۸۳۰-۱۳۳۵/۴/۲۰، تصویر (۱۱۷/۰).

میانه که از مهمترین هواداران گروه یاد شده بوده اند، از جانب جمعیت جانبازان میهنی میانه متهم به همکاری با "حزب منحل توده" می شوند، این در حالی است که اسناد عدم سوء پیشینه همه اعضای این انجمن که توسط "دفتر دادسرای شهرستان تبریز" صادر گردیده، موجود است.^{۶۱} جمعیت جانبازان میهنی میانه ارتباط مستقیم با دربار داشت.^{۶۲}

از طرف مقابل، هوشنگ شقافی به نوبه خود احمد گرمودی را متهم کرده که نامبرده بیش از چهل فقره پرونده کیفری در دادگاه تبریز و میانه داشته و دیگر اتهام وی، هواداری از حکومت دکتر محمد مصدق بوده است.^{۶۳} بالاخره با فشارهایی که از مقامات بالا و پادرمیانی مسئولین محلی از جمله محمد دیهیم رهبر جمعیت فداکاران آذربایجان در تبریز^{۶۴} بعمل آمد، هر دو گروه به ادغام سازمان های خود در یک سازمان تازه تأسیس بنام "جمعیت فداکاران آذربایجان در میانه" تن دادند. ریاست این جمعیت به عهده احمد گرمودی قرار گرفت و هوشنگ شقافی سمت دبیری جمعیت یاد شده را یافت.^{۶۵}

کارکرد سازمان کوک و جمعیت های وابسته به آن بنا به دلایل متعدد از جمله اینکه، چون این سازمان ها متناسب با منافع ملی جامعه ایرانی شکل نگرفتند، بنابراین میان تهی و صرفاً جنبه نمایشی پیدا کرده بود. افرادی که جذب این تشکیلات می شدند عموماً به امور سطحی از قبیل برگزاری جشن و مدیحه سرایی در عظمت پادشاه ایران می پرداختند. از این جمعیت ها و افراد وابسته به آن ها به راحتی می شد در مناسبت های قدرت به نفع رژیم شاه و یا در مراتب پایین تر و در رقابت میان رجال سیاسی نظامی به سود برخی، مثلاً تیمسار علی کیا، بهره گرفت. حال آنکه مهمترین هدف از ایجاد این سازمان، مبارزه با دشمن خارجی چه به جهت ممانعت از اشغال و چه پس از اشغال بخشی از کشور بوده است.^{۶۶}

دستور العمل سرتیپ کیا برای سرهنگ روحانی به هنگام ایام سوگواری ماه های محرم و صفر (۱ محرم ۱۳۷۵ / ۲۸ مرداد ۱۳۳۴ - ۳۰ صفر ۲۴/۱۳۷۵ مهر ۱۳۳۴) و حفظ نظم مؤید نظر بالا است:

"چون ممکن است از طرف بعضی آخوندهای بظاهر ملأ و در حقیقت شیطان، ... مطالبی بین مردم انتشار یابد که مخالف نظم عمومی و مصالح کشور باشد به فرمان مطاع شاهانه ابلاغ می دارد عموم برادران و خواهران بایستی در این موارد کاملاً هوشیار و برای تسکین و راحتی افکار عمومی چنین عناصر را به جامعه معرفی و بدون تظاهر به مردم تفهیم نمایند که به هیچ وجه تحت تأثیر تبلیغات سوء این گونه عناصر خائن وابسته به خارجی قرار نگرفته در حفظ نظم عمومی به دستگاه های دولتی به هر اندازه که می توانند کمک های مؤثر معنوی بنمایند."^{۶۷}

احمد کیا علاوه بر این که در سازمان کوک عضویت داشت، رئیس اداره دارایی شهرستان میانه نیز بود. بنا به شکایت فرماندار میانه و تقاضای استاندار آذربایجان، از تهران عذر او را می خواهند. سرتیپ علی کیا در یک نامه

^{۶۱} همان. سند ۳۹۸۹۱-۳۹۸۸۱-۳ / ۱۳۳۳/۱۱ / ۳، تصاویر (۸۴(۰)، ۸۴(۱)، ۸۴(۲)، ۸۴(۳)، ۸۴(۴).

^{۶۲} همان. سند ۱۳۳۳/۴/۷، تصویر (۶۱(۰).

^{۶۳} همان. سند ۱۳۳۳/۱۱ / ۹، تصاویر (۸۶(۰)، ۸۶(۱)، ۸۶(۲)، ۸۶(۳).

^{۶۴} نگارنده تا کنون موفق به یافتن اسناد مربوط به این جمعیت در تبریز نشده است.

^{۶۵} همان. سند ۱۳۳۳/۱۰/۲۷، تصاویر (۸۰(۰).

^{۶۶} همان. سند ۱۳۳۱/۳/۸، تصویر (۴۳(۰).

^{۶۷} همان. سند ۱۸۳۰-۱۳۳۵/۴/۲۰، تصویر (۱۱۷(۴).

محرمانه به سرهنگ روحانی که در استان های شمال غربی ایران مقام بسیار با نفوذی بشمار می رفت، و علاوه بر آن سازمان های کوک در آن منطقه را اداره می کرد، توضیح می دهد که احمد کیا به خاطر "تشبثات فرماندار و بعضی عناصر اخلاص گر در میانه" از سمت خود برکنار شده است. نامبرده از سرهنگ روحانی می خواهد که خیلی فوری یک تلگراف با مضمون اعتراض به عزل احمد کیا به تهران و به عنوان خود سرتیپ کیا ارسال نموده و "خواهان شوید هر چه زودتر آقای احمد کیا به محل مأموریتش مراجعت کند"، تا نامبرده متن تلگراف را "عیناً به عرض (شاه) رسانده و اقدام لازم نمایم."^{۶۸}

سرهنگ روحانی درست مطابق با رهنمود سرتیپ علی کیا عمل کرده و با ارسال یک تلگراف به حمایت جدی از احمد کیا پرداخته و خواستار ابقای وی در پست سابق خود یعنی ریاست اداره دارایی شهرستان میانه می شود.^{۶۹} همچنین سرهنگ روحانی با کمک عوامل خود در سازمان کوک در تبریز، محمد دیهیم، و در میانه، هوشنگ شقاقی، در گزینش داوطلبان عضویت در انجمن شهر میانه بطور مستقیم اعمال نفوذ می کرده است.^{۷۰} بنابراین سازمان کوک و عضویت در آن وسیله ای بود، چه برای حفظ موقعیت و چه برای بالا رفتن از نردبان قدرت.

در مشکین شهر اطلاعی از تشکیل سازمان کوک و یا جمعیت وابسته به آن نداریم، ولی در خلخال همین اندازه می دانیم که صلاحیت پنج نفر^{۷۱} از ساکنین "کاغذ کنان خلخال" به وسیله کمیته اصلی میانه به جهت جذب در سازمان کوک در ۱۶ خرداد ۱۳۳۴ تأیید گردید.^{۷۲} رابط این افراد با سازمان کوک، هوشنگ شقاقی دبیر جمعیت فداکاران آذربایجان در میانه بود.^{۷۳} احتمالاً مسئولیت سازمان کوک در خلخال به عهده غلام رضا امیر اسکندری بوده است. زیرا وی شش ماه زودتر از پنج نفر یاد شده در بالا، به عضویت این سازمان پذیرفته شد^{۷۴}، و نیز نام غلام رضا امیر اسکندری به روی پاکت نامه ای درج گردیده که برای سازمان کوک ارسال شده است.^{۷۵} از فعالیت سازمان کوک در سراب صرفاً می دانیم که یوسف هاشمی در یک تلگراف به سرهنگ روحانی، عضویت خود و خانواده اش را به جهت فعالیت در "جمعیت شاه پرستان و میهن پرستان" در سراب اعلام می دارد.^{۷۶}

آستارا

در شهر آستارا سید نجفقلی اقبالی فرزند سید مهدیقلی اجلال نظام و رئیس اداره ثبت این شهر، در ۲ شهریور ۱۳۳۳ به عضو سازمان کوک^{۷۷} در آمده و علاوه بر آن ریاست سازمان فداکاران آذربایجان در آستارا را نیز به عهده داشت. نامبرده

^{۶۸} همان. سند ۱۳۳۴/۴/۲۴، تصویر (۰)۱۰۶.

^{۶۹} همان. سند ۱۳۳۴/۴/۲۷، تصویر (۰)۱۰۸.

^{۷۰} همان. سند ۱۳۳۴/۵/۸، تصویر (۰)۱۰۹.

^{۷۱} این افراد عبارتند از: فضل الله مقدم، یوسف امیری (شجاع نظام)، عباسقلی خان سعدلو (ارشدالسلطنه)، محمد قلی خان مهدوی سعدلو و امیر سلیمان خان اصلانیان.

^{۷۲} همان. تصویر سند (۱)۱۰۲ و (۴)۱۲۶.

^{۷۳} همان.

^{۷۴} همان. سند ۱۳۳۳/۱۰/۱۱-۳۵۴، تصویر (۰)۷۶.

^{۷۵} همان. سند ۱۳۳۳/۶/۸، تصاویر (۰)۶۴ و (۱)۶۴.

^{۷۶} همان. تصویر سند (۰)۱۲۴.

^{۷۷} همان. سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر (۰)۶۳.

که "در سال ۱۳۲۲ یا ۱۳۲۳" در حزب عدالت عضویت داشت، به مبارزات خود "در ۲۵ الی ۲۸ مرداد (۱۳)۳۲ بر علیه حکومت سیاه سابق (دکتر محمد مصدق) انجام" داده، افتخار می کند.^{۷۸}

در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۳۳ اقبالی یک گزارش مبسوط به منظور ارسال به کمیته اصلی کوک تنظیم می کند. اولاً از محتوای این گزارش می توان به این حقیقت پی برد که سازمان کوک در آستارا در تابستان سال ۱۳۳۳ تأسیس گردید. دیگر اینکه چون خطاب اقبالی به کمیته اصلی است،^{۷۹} بنابراین کمیته سازمان کوک در آستارا، یک کمیته فرعی بوده است. با وجود این معلوم نیست که این کمیته دقیقاً وابسته به کدام کمیته اصلی بوده است، اما چون اقبالی بدون استثناء کلیه گزارش های فعالیت های شاخه آستارا را به سرهنگ روحانی فرمانده تیپ مستقل اردبیل می داده است،^{۸۰} و نیز از طرف دیگر سرهنگ روحانی در گزارش های اولیه خود به تیمسار علی کیا درباره تشکیل سازمان های فداکاران آذربایجان، صرفاً به اوضاع سازمان هایی، از جمله سازمان فداکاران آستارا، می پردازد که در محدوده مسئولیت او بوده است.^{۸۱} وی در نامه های خود به تیمسار کیا حتی یک بار به شاخه تبریز اشاره ندارد. از طرف دیگر هر گاه لازم می شد که از مرکز در امور مربوط به سازمان فداکاران آذربایجان در آستارا دخالتی صورت گیرد، تیمسار علی کیا به منظور رفع مشکل در آنجا با سرهنگ روحانی فرمانده تیپ مستقل اردبیل مکاتبه می نمود.^{۸۲} بنابراین می توان نتیجه گرفت که سازمان کوک در آستارا وابسته به کمیته اصلی در اردبیل بوده است.

اقبالی در یک گزارش به کمیته اصلی که در پانزده بند تنظیم شده است چنان از رؤسای سازمان ها و ادارات دولتی شهر آستارا ابراز انزجار می کند که گویی کلیه ساختار اداری و سیاسی شهر با او و هم مسلکان وی دشمن هستند. نامبرده اکثر رؤسای و عوامل اصلی نهادهای دولتی مانند آموزش و پرورش، دادگاه، بخشداری، "کارگزاری نفت و بنزین"، اداره دارایی، ژاندارمری و جمعیت شیر و خورشید آستارا را به طرفداری سرسختانه از دکتر محمد مصدق و یا هواداری از حزب توده متهم کرده و از مقام مافوق خود، جایگزینی آنان با نیروهای شاه دوست را تقاضا می کند.^{۸۳}

شاید به دلیل ناامیدی اقبالی و "برادران" وی در سازمان کوک از توسعه این سازمان در شهرها بود که متوجه عضو گیری از میان روستائی ها شدند. اقبالی خطاب به کمیته اصلی علت رویکرد یاد شده را به صراحت بیان می کند، "به نظر کمیته (آستارا) افراد مورد اعتماد و اطمینان در دهات اطراف، مقدم بر شهری ها" بوده و باید از آنها استفاده بشود، به این دلیل که "مردمان متعصب و با ایمان به شاه دوستی و وطن پرستی و مؤمن هستند."^{۸۴}

توسعه سازمان کوک در میان روستاها برای مسئولین آن سازمان از چنان اهمیتی برخوردار بود که اقبالی در گزارش ۲۳ مهر ۱۳۳۳، خبر جذب چند نفر معدود از روستائیان را با ذکر دقیق مشخصات و نشانی روستاهای محل سکونت آنان، برای مقام مافوق خود شرح می دهد.^{۸۵}

^{۷۸} همان. تصویر سند (۱)۹۸.

^{۷۹} همان. سند ۷/۱۰ تا ۱۲/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۵)۶۶.

^{۸۰} همان. سند ۱۱۰-۱۱۸/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۰)۹۳، (۱)۹۳ و (۲)۹۳.

^{۸۱} همان. تصویر سند (۰)۵۳ و نیز سند ۱۳۳۴، تصویر (۰)۱۱۵.

^{۸۲} همان. سند ۱۷۸-۱۳۳۵/۴/۲۴، تصویر (۰)۱۱۸ و نیز تصویر سند (۰)۵۱.

^{۸۳} همان. سند ۷/۱۰ تا ۱۲/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۵)۶۶.

^{۸۴} همان.

^{۸۵} همان. تصاویر اسناد (۳)۶۶ و (۴)۶۶.

دو فهرست موجود در اسناد سازمان کوک که در ۲۸ دی ماه و ۱۶ بهمن ۱۳۳۳ تنظیم شده اند، شامل اسامی اعضای جمعیت فداکاران آذربایجان در آستارا است. بنا بر دو فهرست یاد شده، تعداد کل اعضای این جمعیت ۳۵۲ نفر بود که از این تعداد، ۲۵۷ نفر یعنی بیش از ۷۳ درصد از جمعیت فداکاران را زارعین روستاهای اطراف شهر آستارا تشکیل می داد. روستای کومه با ۱۵۹ نفر عضو، نسبت به سایر روستاها بیشترین مشارکت را در جمعیت فداکاران آستارا داشت.^{۸۶}

آمار بالا و ترکیب اجتماعی اعضای جمعیت فداکاران آذربایجان نشان می دهد که این سازمان به طور عمده از یک خواستگاه روستایی برخوردار بوده است، زیرا جوامع شهری هنوز تحت تأثیر تحولات سیاسی عصر نهضت ملی به رهبری دکتر محمد مصدق بوده و چندان اعتنائی به دستگاه دولت نداشتند. شایان ذکر است که همین فضای غالب سیاسی و اجتماعی در شهر آستارا بوده است که سبب انتقال، اگر نگوئیم اخراج، اقبالی رئیس سازمان کوک و جمعیت فداکاران این شهر به اردبیل می شود.^{۸۷}

دخالت و اعمال نفوذ تیمسار علی کیا در امور مربوط به انتخابات انجمن شهر آستارا، نظر بیان شده در بالا را تأیید می کند. وقتی که افراد موافق و نزدیک به دستگاه دولت به وسیله بخشدار، میر فخرائی، برای شرکت در این انتخابات فاقد صلاحیت تشخیص داده شده و کنار گذاشته می شوند، تیمسار کیا در نامه ای خطاب به سرهنگ روحانی بر می آشوبد، با "اینکه بر حسب دستور استاندار و آن تیمسار عده(ای) از مخالفین مقام سلطنت از انتخاب شدن در انجمن شهر (باید) محروم گردند"، با وجود این بنا به دستور بخشدار "کلیه کسانی که به شاه دوستی معروف هستند به عناوین مختلف از انتخاب شدن محروم و اشخاص بی سر و پا و بی شخصیت را کاندید معرفی نموده اند. به علاوه همیشه در صدد تضعیف سازمان فدائیان بوده و جداً با آن ها مخالفت می نماید." بنابراین دستور می دهد که "انتخابات انجمن شهر متوقف و در کاندیدها تجدید نظر شود."^{۸۸}

کمیته سازمان کوک در آستارا علاوه بر سید نجفقلی اقبالی شامل سه نفر دیگر، احمد فردین، تقی سلیمانی و جلال بصیر می شده است.^{۸۹}

بر اساس اسناد مربوط به عضویت احمد فردین در سازمان کوک در آستارا، نامبرده فرزند ابراهیم در سال ۱۲۸۷ در آستارا به دنیا آمد و در دوران تسلط فرقه دموکرات در آذربایجان، در مبارزه بر علیه آنان شرکت فعال داشته به طوریکه همسر وی را یک عضو کمیته "فرقه دموکرات آستارا قهراً و زوراً از دستش (احمد فردین) گرفته و به خاک شوروی برده است."^{۹۰}

^{۸۶} همان. سند ۱۰۴-۱۰/۲۸-۱۳۳۳/۱، تصاویر ۸۱(۹)-۸۱(۰) و نیز سند ۱۰۹-۱۶-۱۳۳۳/۱۱، تصاویر ۸۸(۳)-۸۸(۰).

^{۸۷} همان. سند ۱۷۸-۱۳۳۵/۴/۲۴-۱۳۳۵/۴، تصویر ۱۱۸(۰).

^{۸۸} همان. تصویر سند ۵۱(۰).

^{۸۹} همان. سند ۷/۱۰ تا ۱۳۳۳/۱۰/۱۲، تصویر ۶۶(۵).

^{۹۰} همان. سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر ۶۳(۴).

تقی سلیمانی رئیس اداره کشاورزی آستارا فرزند سید داود سلیمانی (امیرالممالک) در سال ۱۳۰۰ در نمین متولد و در ۱۳۱۹ پس از فارغ التحصیل شدن در مقطع دیپلم به استخدام وزارت کشاورزی در آمد.^{۹۱} وی ضمن مبارز با عوامل فرقه دموکرات در آستارا در سال ۱۳۲۲، یکی از طرفداران سرسخت سلطنت در این منطقه از کشور بود.^{۹۲}

جلال بصیر فرزند میرزا عبدالله خان بصیرالوزاره اهل و سکن شهر آستارا و کارمند اداره آموزش و پرورش این شهر بود. نامبرده از هواداران جدی سلطنت بوده و به دلیل همکاری با ارتش، بویژه در راه اندازی "دبستان سرهنگ شهید ظهیرنیا" به وسیله سرتیپ سیاسی، فرمانده تیپ مستقل رشت، در ۱۹ اسفند ۱۳۳۱ مورد تقدیر قرار گرفت.^{۹۳} وی در دوره نهضت ملی از مخالفان این نهضت بوده و در ۲۸ تیر ماه ۱۳۳۲ در بحیوبه مبارزات و درگیری های سیاسی میان طرفداران نهضت ملی به رهبری دکتر محمد مصدق با عوامل دربار محمد رضا پهلوی، به منظور حفظ مجسمه شاه از آسیبی که ممکن بود به وسیله مخالفین صورت گیرد، با عده ای وارد یک همپمانی مکتوب گردید.^{۹۴}

بر اساس بند ۱۴ از فصل اول آیین نامه جنگجویان کوک، رزمندگان کوک می توانستند به سلاح متناسب با جنگ های غیر منظم مسلح شوند.^{۹۵} بنابراین سید نجفقلی اقبالی از کمیته اصلی برای اعضای چهار نفره کمیته آستارا تقاضای اسلحه کمری می کند. اقبالی به جهت اقلیت کمیته اصلی به منظور مصلح نمودن اعضای کمیته خود، به دلیلی متوسل می شود که سخت جالب توجه است: "پس از تشکیل جمعیت (فداکاران آذربایجان در آستارا) و مبارزه علنی، سخت در کنترل مخالفین و خائنین قرار گرفته ایم. برای حفظ خود و کشف اسرار افراد توده (ای) بطرز سری لازم بنظر می رسد."^{۹۶} اقبالی به صراحت اعتراف می کند که گروه آن ها و یا به عبارتی طرفداران سلطنت در محاصره گروه های اجتماعی مخالف سلطنت قرار گرفته اند. این خود به روشنی دلالت بر تسلط نیروهای مردمی دارد که هنوز تحت تأثیر جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بوده و سازمان کوک و جمعیت های وابسته به آن در واقع موظف به مهار فضای سیاسی اجتماعی به جا مانده از دوران نهضت ملی بوده است.

نتیجه گیری

محتوای آیین نامه های سازمان کوک دلالت بر این دارند که هدف اصلی از تأسیس این سازمان، ایجاد یک بسیج ملی به منظور دفاع از کشور، در درجه اول در مقابل هر گونه تجاوز دشمن خارجی به سرزمین ملی بوده است. در آیین نامه های سازمان کوک توجه اندکی به مبارز با مخالفان سیاسی دولت شاهنشاهی دارد، با وجود این سیر تحول این سازمان و جمعیت های وابسته به آن به گونه ای است که این سازمان ها کلیه برنامه ها و امکانات خود را صرف مبارزه با مخالفین واقعی و یا فرضی دولت پهلوی می کنند. تحقیق در اسناد مربوط به سازمان کوک به خوبی نشان می دهد که این سازمان نه تنها برای گردانندگان اصلی، مانند تیمسار علی کیا، بلکه برای اعضای آن وسیله ای بوده است برای هر چه تقریباً بیشتر به مرکز قدرت سیاسی و بهره مند شدن از مواهب آن. بنابراین چون اهداف شخصی جایگزین آن هدف

^{۹۱} همان. سند ۵۸(۰).

^{۹۲} همان. سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر ۶۳(۲).

^{۹۳} همان. سند ۱۳۶۳۵-۳۱/۱۲/۱۹-تصویر ۴۷(۰).

^{۹۴} همان. سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر ۶۳(۶) و نیز همان. سند ۲۸ تیر ۳۲، تصویر ۴۸(۰).

^{۹۵} همان. سند ۱۳۳۰، تصویر ۴۴(۴)، ص ۵.

^{۹۶} همان. سند ۷/۱۰ تا ۱۳۳۳/۱۰/۱۲، تصویر ۶۶(۵).

ملّی که صیانت از وطن باشد و در آیین نامه های کوک مندرج بود، گردید در نتیجه سازمان کوک و جمعیت های وابسته تبدیل شدند به شبکه هایی از روابط شخصی. از آنجا که دولت پهلوی خود فاقد مشروعیت ملّی بود، ناگزیر باید به این گروه های خود ساخته به منظور مهار نا آرامی های احتمالی در کشور، تکیه می کرد. این امر خود به گروه های یاد شده فرصت می داد تا در مناسبات اجتماعی به طور افسار گسیخته ای با مردمان محل سکونت خود، خواه در شهر و یا در روستا، رفتار کنند. به این ترتیب سازمان هایی از این قبیل که فلسفه وجودی آن ها تأمین امنیت و ثبات در کشور بود، نه تنها به این مهم کمکی نکردند که مخل آن نیز گردیدند.

منابع

اسناد منتشر نشده "گارد شاهنشاهی"، کاخ نیاوران:

- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، پرونده ۱-۲-گ، تصویر سند (۵۸۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۶۳۸-۱۳۲۳/۱۲/۱۸، تصویر (۵۵۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۹۳۵/۶۶۴۴-۱۳۲۶/۲/۱۰، تصویر (۵۲۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصاویر اسناد (۵۸۰) و (۵۸(۱) و (۵۸(۲).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۱/۳/۸، تصویر سند (۴۳۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصاویر اسناد (۵۸۰) و (۵۸(۱) و (۵۸(۲).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۰، تصویر سند (۴۴(۱).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۴۶(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۹/۲۷ تا ۱۳۳۳/۱۱/۲۷، تصویر (۷۲(۴).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۹/۲۷ تا ۱۳۳۳/۱۱/۲۷، تصویر (۷۲(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۱۳-۱۳۳۳/۱۲/۹، تصویر (۹۷(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۹/۲۷ تا ۱۳۳۳/۱۱/۲۷، تصویر (۷۲(۱).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۴، تصاویر (۱۱۵(۰) و (۱۱۳(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۶/۲۲ تا ۱۳۳۳/۱۰/۲۸، تصویر (۶۲(۲).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۵۳(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۴۵(۱).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۵۳(۱).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۵/۱۲ تا ۱۳۳۳/۹/۱۱، تصویر (۶۲(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۶-۱۳۳۳/۱۰/۱۷، تصویر (۷۷(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۱۰/۲۸-۱۰۸، تصویر (۸۵(۱) و (۸۵(۰).
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۱۰/۲۸-۱۰۸، تصاویر (۸۳(۱) و (۸۳(۲) و (۸۳(۳).

- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۶-۱۳۳۳/۱۲/۲۵، تصویر (۰) ۹۹.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۶۱-۱۳۳۴/۳/۲۸، تصویر (۰) ۱۰۵.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۷-۱۳۳۳/۱۱/۲۶، تصویر (۰) ۹۵.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۸۲-۱/۱۳۳۵/۶، تصاویر (۰) ۱۲۰ و (۱) ۱۲۰.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۵۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۴۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۱۳-۹/۱۲/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۹۷ و (۱) ۹۷.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۵۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۵۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۴۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۱۲-۱۸/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۹۲، (۱) ۹۲ و (۲) ۹۲ و (۳) ۹۲.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۵۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۴، تصویر (۰) ۱۱۵.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۶۸-۱۳۳۴/۳/۱۶، تصویر (۱) ۱۰۲.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۸۳۰-۲۰/۴/۱۳۳۵، تصویر (۰) ۱۱۷.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۳۹۸۸۱-۳۹۸۹۱-۳/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۸۴، (۱) ۸۴ و (۲) ۸۴، (۳) ۸۴ و (۴) ۸۴.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۴/۷، تصویر (۰) ۶۱.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۹/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۸۶، (۱) ۸۶، (۲) ۸۶ و (۳) ۸۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۷/۱۰/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۸۰.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۸/۳/۱۳۳۱، تصویر (۰) ۴۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۸۳۰-۲۰/۴/۱۳۳۵، تصویر (۴) ۱۱۷.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۴/۴/۱۳۳۴، تصویر (۰) ۱۰۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۷/۴/۱۳۳۴، تصویر (۰) ۱۰۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۸/۵/۱۳۳۴، تصویر (۰) ۱۰۹.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۱) ۱۰۲ و (۴) ۱۲۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۳۵۴-۱۱/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۰) ۷۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۸/۶/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۶۴ و (۱) ۶۴.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۱۲۴.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲/۶/۱۳۳۳، تصویر (۰) ۶۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۱) ۹۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۷/۱۰ تا ۱۲/۱۰/۱۳۳۳، تصویر (۵) ۶۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۱۰-۱۸/۱۱/۱۳۳۳، تصاویر (۰) ۹۳، (۱) ۹۳ و (۲) ۹۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰) ۵۳.

- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۴، تصویر (۰)۱۱۵.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۵/۴/۲۴-۱۷۸، تصویر (۰)۱۱۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰)۵۱.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۷/۱۰ تا ۱۳۳۳/۱۰/۱۲، تصویر (۵)۶۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصاویر اسناد (۳)۶۶ و (۴)۶۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۱۰/۲۸-۱۰۴، تصاویر (۹)۸۱- (۰)۸۱.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۱۱-۱۶-۱۰۹، تصاویر (۳)۸۸- (۰)۸۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۵/۴/۲۴-۱۷۸، تصویر (۰)۱۱۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، تصویر سند (۰)۵۱.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۷/۱۰ تا ۱۳۳۳/۱۰/۱۲، تصویر (۵)۶۶.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر (۴)۶۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند (۰)۵۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر (۲)۶۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۶۳۵-۳۱/۱۲/۱۹، تصویر (۰)۴۷.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۳/۶/۲، تصویر (۶)۶۳.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۲۸ تیر ۳۲، تصویر (۰)۴۸.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۱۳۳۰، تصویر (۴)۴۴.
- آرشیو کاخ موزه نیاوران، اسناد گارد شاهنشاهی، همان، سند ۷/۱۰ تا ۱۳۳۳/۱۰/۱۲، تصویر (۵)۶۶.

کتاب

علوی کیا، حسن، خاطرات حسن علوی کیا، به کوشش اکبر اعتماد؛ [برای] بنیاد مطالعات ایران (Foundation for Iranian Studies)، طرح تاریخ شفاهی ایران. (سایت اینترنتی Foundation for Iranian Studies) کیا (سپهبد)، علی، خاطرات سپهبد حاجی علی کیا، به کوشش حبیب لاجوردی؛ [برای] مرکز مطالعات خاورمیانه. طرح تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد، (تهران: زیبا، ۱۳۸۱)

ظههور و سقوط سلطنت پهلوی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲ (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰).

نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۱ (تهران، رسا، ۱۳۷۷)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.